درخواست طلاق پس از ۲۵ روز زندگی

سیما فراهانی

زندگی مشترک محبوبه و سجاد ۲۵ روز بیشتر دوام نیاورد. این زوج میانسال که به خاطر اختلاف در پرداخت مهریه با هم درگیر شده بودند، تصمیم گرفتند به زندگی مشترک کوتاه خود برای همیشه پایان دهند.

مرد میانسال مقابل قاضی دادگاه خانواده تهراندرباره زندگی مشترکش گفت: چند وقت پیش بود که با محبوبه آشنا شدم. محبوبه دوست یکی از آشناهایم بود و برای ازدواج به من معرفی شد. دو سالی می‌شد که همسر اولم را از دست داده بودم و می‌خواستم دوباره ازدواج کنم تا دیگر تنها نباشم. وقتی محبوبه را دیدم و با او صحبت کردم، از او خوشم آمد. احساس کردم زن فهمیده و خوبی است. برای همین تصمیم گرفتم با او زندگی کنم. محبوبه هم به پیشنهاد ازدواج من جواب مثبت داد و ما به محضر رفتیم. ۲۵ روز پیش زندگی مشترک ما آغاز شد. فکر می‌کردم با محبوبه خوشبخت می‌شوم و می‌توانم تا آخر عمر در کنارش آرامش داشته باشم. اما درست چند روز بعد از زندگی مشترکمان محبوبه از من خواست مهریه ۵۰ سکه‌ای‌اش را به او پرداخت کنم. از این حرفش تعجب کردم.

باور نمی‌کردم به همین راحتی از من مهریه بخواهد. تازه آنجا بود که فهمیدم فریب خورده‌ام. این زن فقط می‌خواست از من پول بگیرد و برای همین هم با من ازدواج کرده بود. وگرنه چرا باید چند روز بعد از ازدواج مهریه‌اش را بخواهد. چون دید خانه و زندگی خوبی دارم تصمیم گرفت مرا فریب دهد و پول به جیب بزند. من هم تصمیم گرفتم برای همیشه از او جدا شوم. دیگر به این زن اعتمادی ندارم. من ۵۸ ساله هستم و نمی‌توانم در این سن و سال با کسی زندگی کنم که به او اعتماد ندارم و باید همیشه با او دعوا کنم. محبوبه زن زندگی نیست و فقط به‌دنبال مال و اموالم است. برای همین می‌خواهم از او جدا شوم.

در ادامه همسر این مرد نیز به قاضی گفت: آقای قاضی من یک زن میانسال هستم و برای آینده‌ام باید تضمینی داشته باشم.

من نمی‌خواستم سر همسرم کلاه بگذارم یا او را فریب دهم. اتفاقا می‌خواستم با شوهرم زندگی کنم و تا آخر عمر کنارش باشم.

اما تصمیم گرفتم مهریه‌ام را بگیرم تا بتوانم برای آینده‌ام تضمینی داشته باشم. من دیگر نمی‌توانم تنها و بی‌پول شوم.

وقتی با سجاد آشنا شدم و تصمیم به ازدواج گرفتیم، با این که به او اعتماد داشتم ولی باز هم خواستم پشتوانه‌ای داشته باشم و پول‌هایم را پس‌انداز کنم. من در ازدواج قبلی‌ام شکست خورده بودم. شوهرم یک مرد معتاد از آب درآمد و در نهایت هم بعد از چند سال عذاب و زجر بدون هیچ پولی مرا طلاق داد. من ماندم و تنهایی و بی‌سرپناهی.

از ده سال پیش مجبور شدم کار کنم و خرج زندگی‌ام را تامین کنم. هیچ فرزندی هم نداشتم تا به او تکیه کنم.

برای همین در ازدواج دوم محتاطانه عمل کردم تا دوباره شکست نخورم و تنها و بی‌پول نشوم. اما این به معنای فریب دادن و کلاهبرداری نیست.

در پایان قاضی سعی کرد با صحبت‌هایش این زوج را از جدایی منصرف کند و از آنها خواست برای حل مشکلشان به یک مشاور مراجعه کنند.

از لجبازی و منفی بافی پرهیز کنید

منصوره نیکوگفتار، روان شناس در این رابطه می‌گوید: گاهی اوقات بعضی از خواسته‌ها اگر بد بیان شوند، ممکن است نامعقول و غیرطبیعی جلوه کند و منجر به درگیری بین زوج شود. زن و مرد باید این را بدانند که نوع بیان و صحبت درباره خواسته‌ها می‌تواند تاثیر مهمی در شکل گیری و بهتر شدن روابط داشته باشد. اگر خواسته‌ای با تندی و رفتار حق به جانب مطرح شود، طرف مقابل هم آن را نادیده می‌گیرد و لجبازی ایجاد می‌شود. همین مساله اختلاف و مشکلات را بیشتر می‌کند و اعتماد و همدلی را از بین می‌برد. گاهی اوقات یک صحبت منطقی می‌تواند خیلی از مشکلات و اختلافات را از بین ببرد. اما دعوا و درگیری و لجبازی به این اختلافات بیشتر دامن می‌زند و زوج‌ها را از هم دور می‌کند. در واقع در یک ارتباط موثر زوج‌ها باید از لجبازی و اصرار بر نظر خود پرهیز کنند و در مقابل برای حل مسائل زندگی، خطاهای خود را بپذیرند و جانب حق و احتیاط را بگیرند. آنها اگر می‌خواهند در زندگی مشترک، آرامش و نشاط داشته باشند، تنها با ترک لجبازی و تحمیل خواسته‌هایشان، می‌توانند به این امر کمک کنند. اگر خواهان محبت و حل مسائل در خانه هستند نباید منفی باف باشند. اگر به اشکال یا نقصی در طرف مقابل رسیدند، نباید تمام تمرکزشان را به آن معطوف کنند بلکه آن را در کنار خوبی‌ها و قوت‌های او ببینند و گاهی به نقص‌ها و عیوب خودشان هم توجه کنند تا بتوانند از سرزنش و عیب‌جویی کردن فاصله بگیرند. از سوی دیگر مردان هنگام قرار و مدار ازدواج باید توجه داشته باشند مهریه، حق زن و عندالمطالبه است و زن هر زمان که بخواهد می‌تواند آن را درخواست کند. البته زن هم باید در بیان این درخواست دقت کند تا شوهر تصور نکند او انگیزه مالی برای این ازدواج داشته است.

ناوان

مکانیک بدهکار سارق مسلح شد

سعید ۳۴ ساله و متاهل است، یک دختر دارد و می‌گوید مکانیک بوده و مغازه داشته، علاوه بر تعمیر خودرو لاستیک هم می‌فروخته، اما گرفتارشدنش در دام یک جاعل کلاهبردار او را مجبور کرد سارق مسلح شود.

● چطور در دام مرد کلاهبردار افتادی؟

چندی پیش مردی به مغازه‌ام آمد و مدعی شد از کارکنان وزارت اطلاعات است. اعتمادم به او جلب شد و فکر نمی‌کردم او کلاهبردار و جاعل باشد.

او از من خواست اطلاعات افرادی که خانه‌هایشان را خالی کرده و به خارج از کشور رفته‌اند شناسایی و به او معرفی کنم.

● بعد چه شد؟

او مرا فریب داد و من به او خانه‌ها را معرفی می‌کردم. بعد هم برای زحمتی که می‌کشیدم به من پول می‌داد. بعد از مدتی دستگیر شده و متوجه کلاهبرداری میلیاردی او با سندسازی این خانه‌ها و فروششان شدم.

● چرا سراغ سرقت مسلحانه رفتی؟

مرد کلاهبردار خسارت مالی یک میلیارد و نیمی به من وارد کرد. همین بدهی باعث شد به فکر سرقت مسلحانه بیفتم.

موضوع را با دوستم در میان گذاشتم و دو نفری سراغ فروشندگان موتورهای قاچاق و غیرقانونی رفتیم. بعد از فریب به قصد معامله آنها را به مکان‌های خلوت می‌کشاندیم.

در آنجا هم با جعل عنوان پلیس یا تهدید با اسلحه، موتورها را سرقت می‌کردیم.

● موتورها را چند فروختی؟

هر کدام از موتورها را ۱۶ تا ۲۱ میلیون تومان می‌فروختیم.

کلاهبرداران تحصیلکرده

علی و فرید، هردو جوان و تحصیلکرده‌اند. یکی فوق‌لیسانس مدیریت بازرگانی دارد و دیگری فوق‌لیسانس حسابداری است.

هردو به اتهام کلاهبرداری دو میلیارد تومانی با فروش خودرو در سایت دیوار تحت تعقیب بودند که از سوی ماموران اداره ۱۴ آگاهی تهران بازداشت شدند.

● علی، قبل از کلاهبرداری چه کاره بودی؟

سه سال بود خرید و فروش انواع خودرو می‌کردیم که با فرید آشنا شدم و کلاهبرداری‌هایمان از یک سال و نیم پیش شروع شد.

● از روش‌ها و نحوه کلاهبرداری‌ها بگو.

من و دوستم به مغازه‌های کرایه خودرو می‌رفتیم و خودروهای بنز، پورشه، هوندا، لندکروز، سانتافا و اپتیما را برای مدت چهار تا ۱۵ روز اجاره می‌کردیم.

بعد خانه‌هایی را در شمال تهران به صورت روزانه اجاره کرده و آنجا را به شکل دفتر طراحی کرده و خودروهای گران قیمت را آنجا قولنامه‌ای می‌فروختیم.

● چقدر پول نصیبتان شد؟

دو میلیارد تومان با این ترفند کلاهبرداری و پول‌ها را میان هم تقسیم می‌کردیم.

● چطور مدارک افراد را برای کلاهبرداری به‌دست می‌آوردید؟

ما زنان و مردانی که مدارک هویتی از جمله شناسنامه و کارت ملی‌هایشان را اجاره می‌دادند از طریق خلافکارها و گاهی در مهمانی‌ها یا مراکز خرید و طلافروشی‌ها شناسایی می‌کردیم.

● چقدر برای این کار می‌گرفتند؟

بین دو تا ۳۰ میلیون تومان. هر چه مدارک بیشتر نزد ما می‌ماند، کرایه بیشتر می‌شد.